متن كامل استعفاي فاطمه حقيقت‌جو

تقاضاي استعفاي فاطمه حقيقت‌جو پذيرفته شد

مجلس شوراي اسلامي روز دوشنبه راي به استعفاي نماينده تهران داد.
به گزارش خبرنگار خانه ملت، متن استعفاي فاطمه حقيقت‌جو، نماينده تهران بر اساس آيين نامه داخلي مجلس شوراي اسلامي قرائت شد و سپس فاطمه حقيقت‌جو حدود نيم ساعت از استعفاي خود دفاع كرد.
متن استعفاي فاطمه حقيقت‌جو به شرح ذيل مي‌باشد :

بسم الله الرحمن الرحيم
السلام علي الحسين
وعلي علي بن الحسين
و علي اولاد الحسين
و علي اصحاب الحسين
در اين ماه عزيز و در اين روزهاي غرور انگيز سلام مي‌فرستم بر روان پاك سالار شهيدان ابا عبدا... الحسين (ع) و فرزندان و ياران باوفايش كه آزادي را و آزاد مردمي را با هيچ متاعي مبادله نكردند و جان خود را به بهاي حفظ اسلام به قربانگاه بردند و درود مي‌فرستم بر روح بلند شيرزن كربلا و اسوة مقاومت و شكيبايي زينب كبري (س) كه به ما درس آزادگي و حريت آموخت و سرتعظيم در برابر قادر متعال فرود مي آورم و تمنا مي جويم كه ما را از رهروان راستين مكتب حسين (ع) قرار دهد.
ضمن عرض تسليت به پيشگاه ملت شريف ايران و همكاران محترم به مناسبت ايام شهادت سالار شهيدان (ع) و ياران باوفايش از اين فرصت استفاده كرده نكاتي را خطاب به مردم شريف ايران عرض مي‌نمايم.
فاطمه حقيقت جو متولد ۱۳٤۷ در جنوب شهر تهران دانشجوي دوره دكتري مشاوره، پژوهشگر و مدرس دانشگاه‌هاي تهران و مراكز آموزش عالي فرهنگيان، نايب رييس انجمن مشاوره ايران، ۱۰ سال سابقه در پست‌هاي امور تربيتي و مشاوره آموزش و پرورش، عضو انجمن اسلامي دانشجويان دانشگاه تربيت معلم و دو دوره عضو شوراي مركزي اتحاديه انجمن‌هاي اسلامي دانشجويان دفتر تحكيم وحدت .
امروز گروهي وابسته به محافظه كاران نام آن را غيرقانوني مصادره و اين روزها اطلاعيه‌هايي پي در پي از صدا و سيما به نام اين تشكل قرائت مي‌شود.
در ابتداي روزهاي پيروزي انقلاب اسلامي، اينجانب ۱۰ سال بيش نداشتم كه با اميد و شور و هيجان در راهپيمايي شركت مي‌كردم و امروز متاسفم كه شاهد فاصله فراوان حاكميت از آرمان انقلاب‌ام.
جمهوري اسلامي در سال ۱۳۵۷ با نداي آزادي و استقلال اكثريت قريب به اتفاق ملت ايران و با اميد به شكل گيري جامعه‌اي آرماني مبتني بر فضايل اخلاقي و سيده نبوي در حالي شكل گرفت كه رهبر آن از حوزه علميه‌اي بيرون آمد كه سياست را مذموم مي‌شمرد . امام (ره) آمد تا با تلفيق سياست و ديانت ثابت كند كه اسلام ناب محمدي (ص) هيچ سنخيتي با تحجر، استبداد و اقتدارگرايي صاحبان كليساهاي قرون وسطايي كه نهايتا دين را به حاشيه راندند ، ندارد.
اما تحجر از درون و عناد از برون در سال‌هاي اخير كوشيد تا آگاهانه تصويري غيرقابل جمع از اين دو به نمايش بگذارد. متحجران و تشنگان سيري ناپذير قدرت كه از طريق و راه امام راهي بر افزون طلبي قدرت نمي‌يافتند ، كوشيدند تا با عملكردهاي غيراخلاقي، غيراسلامي و غيرقانوني جمع اسلام و دمكراسي را به چالش بكشند و با نفي دمكراسي و مردمسالاري به اعمال قدرت آمرانه روي آورند و آنگاه مطامع نامشروع خود را با به نمايش گذاشتن تصاوير زينتي از مردم دنبال كنند، غافل از اينكه تفاسير خشن و غيرانساني و غير رحماني آنان به انزواي اسلام نزد جوانان منتهي خواهد شد.
اصلاح طلبان در آغاز دهه سوم انقلاب با درك ايجاد زمينه‌هاي انحراف در مباني ارزشي و اصول بنيادين انقلاب كوشيدند با اعمال اصلاحات در لايه‌هاي قدرت در چارچوب قانون اساسي از نظام ارزشمند جمهوري اسلامي دفاع كنند و با الهام از رهنمودهاي بنيان‌گذار انقلاب اسلامي ثابت كنند اسلام منافاتي با دمكراسي ندارد. اصلاح طلبان كوشيدند با ارايه چهره رحماني از اسلام ثابت كنند اسلام با حقوق بشر و حكمراني خوب قابل جمع است.
اما نابخردان كه سقف نظام را بسيار كوتاه مي‌ديدند نه تنها تن به اصلاحات ندادند بلكه نامه نمايندگان ملت به رهبري را نيز بر نتافتند و كوچكترين انتقادها به دستگاه‌هاي زير نظر رهبري را نيز تاب نياوردند . اينان سقف آزادي را حريم هاله قدسي قدرت تعريف كرده كه غير قابل نقد است تا ملت پس از يك ربع قرن از پيروزي شكوهمند انقلاب اسلامي بار ديگر در حسرت آزادي به سر برد. هرگونه پرسشگري از نهادهاي حكومتي به ويژه نهادهاي منصوب به رهبري در نگاه اين سستي زدگان قدرت بسان جرمي به بزرگي اقدام عليه امنيت ملي تعريف مي‌شد. اينان در پاسخ به تلاش‌هاي منتخبان ملت كه براي اصلاح در ساختار قدرت كه به تداوم نظام منتهي مي‌شد به بحران آفريني ، سركوبي، توهين ، افترا و اتهام زني روي آوردند و با راه اندازي كارناوال عصر عاشورا ، قتل‌هاي زنجيره‌اي، ترور دكتر سعيد

حجاريان، حمله مغول وار به خوابگاه دانشجويان، توقيف فلهاي مطبوعات، دستگيري روزنامه نگاران و سياسيون و دانشجويان ، هدفي جز تخطئه جريان اصلاحات را دنبال نكردند.
توسل به ابزارهاي غيرقانوني و تفسيرهاي دگرگونه از قانون اساسي براي به بن بست كشاندن مجلس اصلاحات در دو بعد قانونگذاري و نظارت آيا دستاوردي جز اثبات اينكه ديگر در نظام جمهوري اسلامي ميزان راي ملت نيست، دستاورد ديگري به همراه داشت؟
جريان اقتدارگرا در پي اقدامات مخرب خود امروز كار را به جايي رسانده است كه نشان دهد قانون اساسي به عنوان ميثاق ملي ديگر قابل اتكا نيست، آنها با ذبح جمهوريت ، قانون اساسي را بلاموضوع كرده تا به شيوهاي غير مشروع حاكميت خود را با توسل به اعمال شبه قانوني يكدست كنند.

مردم شريف ايران
جرم مجلس ششم و اكثريت آن تلاشي در جهت استيفاي حقوق شما و تحقق فصل سوم و پنجم قانون اساسي به عنوان تامين و تضمين حقوق مردم بوده است. جرم اين مجلس از آنجايي آغاز شد كه بنا داشت قانون مطبوعات را به نفع ملت و كشور اصلاح كند تا رسانههاي مكتوب با شكستن انحصار رسانهاي صدا و سيما از هر گونه فساد و خودسري و استبداد جلوگيري كند.
جرم مجلس ششم وقتي سنگينتر شد كه بنا داشت با وضع قانون امكان اجراي اصول متعدد و مغفول مانده قانون اساسي در باب جرم سياسي، تشكيل هيات منصفه، منع تفتيش عقايد ، منع سانسور، منع دستگيري، منع شكنجه ، منع هتك حرمت و ايجاد حق دادخواهي ، حق انتخاب وكيل و.... مانع از استبداد و استثمار و تضييع حقوق ملت شود. جرم مجلس ششم اين بود كه گام در راه پاسخگو كردن قدرت مطلقه برداشته بود، جرم مجلس اين بود كه ازتنزل رسانه ملي به تريبون يك جناح و ابزار تبليغي جريان سركوبگر جلوگيري كند. جرم مجلس ششم اين بود كه ميخواست دستگاه قضايي ، مامن پناهجويان شود و اجازه ندهد اين ركن ركين نظام به ابزار سركوبگر محافظه كاران تبديل شود .
جرم مجلس نظارت بر آزادترين، سالم ترين، رقابتي ترين و عادلانه ترين انتخابات شوراهاي اسلامي شهر و روستا كه در سال گذشته انجام شد تبديل شود. آري نيك ميدانيد جرم ما اين بود كه ميخواستيم راي شما را به كرسي بنشانيم و به همين منظور همه مرارتها و سختيها را به جان خريديم و لحظهاي از حركت بازنايستاديم و اميد داشتيم كه با اصرار و پيگيري مستمر بتوانيم آنها را در مقابل راي و نظر شما به خضوع بكشانيم ولي افسوس كه همه اين تلاشها سرانجامي جز جريتر كردن آنها در شكستن حرمت ملت در بر نداشت.
سستي زدگان قدرت و مخالفان راي ملت، با برگزاري نمايشي انتخاباتي مجلس هفتم به تمام دستاوردهاي انقلاب پشت كرده و اميد دارند، مجلس فرمايشي بساط جمهوريت و آزادي را براي هميشه از صحنه سياسي كشور پاك كنند.
امروز ادعاي روساي محترم قواي مجريه و مقننه و نمايندگان مجلس برهمگان روشن شده است و ۱۹۰ كرسي غير انتخابي مجلس فرمايشي به اشغال منصوبان ستاد ضد اصلاحات درآمده است.
در دهه فجر ۱۳۷۹ طي سخنراني در شهرستان قزوين گفتم شوراي نگهبان با تشكيل دفاتر نظارتي در سطح استانها و شهرستانها كه وظيفهاش تفتيش عقايد است بنا دارد به زعم خودشان بگذارد اشتباهي را كه در دوم خرداد و انتخابات مجلس ششم مرتكب شدهاند راتكرار كنند آن روز تاكيد كردم كه آنها بنا دارند، تشكيل چيزي شبيه وزارت اطلاعات افراد را شناسايي، تهديد و ارعاب كنند كه حرف نزنند حال آنكه نمايندهاي كه شجاعت نداشته باشد، نمايندهاي كه نتواند حرف بزند ديگر نماينده بودنش به چه درد مردم ميخورد كه البته همين سخنراني و نطق پيش از دستورم خطاب به رهبري منجر به بازداشت غيرقانونيام شد و بر مبناي اين سخنراني طي محاكمهاي غيرقانوني و خلاف نص صريح قانون اساسي به ۲۰ ماه محكوميت در دادگاه بدوي و نهايتا ۱۰ ماه حبس محكوم شدم.
امروز نه تنها صحت ادعاي اينجانب به اثبات رسيد بلكه روشن شد تشكيل دفاتر نظارتي نه تنها براي رد صلاحيت گسترده اصلاح طلبان تدارك شده بود بلكه شوراي نگهبان با تعيين اكثريت قاطع كرسيها در پي تشكيل مجلسي فرمايشي كوشيد.
همانگونه كه در انتخابات مجلس ششم با دوپينگ سياسي و ابطال ناباورانه ۷۰۰ هزار راي مردم تهران نمايندگي را از عليرضا رجايي سلب و فردي را به جاي ايشان منصوب كرد كه قرار است همين فرد با فرض صحت آراي ماخوذه و با حدود ۱۰ درصد آراي واجدين شرايط در حوزه انتخابيهاش بر كرسي رياست مجلس تكيه زند.

مردم آگاه و بيدار ايران
همانگونه كه مستحضريد در طول عمر مجلس ششم تمام مصائب را بر جان خريديم و لحظهاي درنگ نكرديم تا حقوق قانوني و شرعي شما را استيفا كنيم و بارها از حق خود گذشتيم ولي حاضر به مسامحه بر سر حقوق شما نشديم ولي اين بار با روند غير قانوني، غيرآزاد، غير عادلانه و غير رقابتي انتخابات اول اسفند وقتي آشكارا حق انتخاب آزاد و قانوني شما سلب و مشروعيت نظام با بحران جدي مواجه شد و خطر تشكيل مجلس فرمايشي ضعيف و شكل گيري آپارتايد سياسي و خط زايش مجدد جريانهاي قانون گريز ، خودسر و غير خودسر را پيش روي مردم ديديم سكوت را بر خود حرام كرديم و در تحصن ۲۶ روزه به سران نظام هشدار كه جرياني خودسر حق حاكميت ملت و امنيت كشور را به مسلخ برده است به آنان انذار داديم كه گروهي بنا را به آن گذاشتهاند كه ديدن ميزان راي ملت نباشد ديگر

مجلس عصاره فضايل ملت نباشد. ديگر مردم حق نداشته باشند كه مستقيم نمايندگان خود را برگزينند و ديگر جمهوريت نباشد و اسلام طالباني بر اسلام ناب محمدي ارجحيت داشته باشد.
يقين داريم و يقين داريد كه اين قرارها نه تنها براي ملت فردايي بهتر رقم نخواهد زد بلكه سرنوشت كشور را تيره و تار خواهد ساخت لذا استعفاي خود را از نمايندگي مجلس ششم به پيشگاه شما تقديم كردم و اينك اول اسفند سپري شده است. انتخابات غيرآزاد، غيرمشروع، غيرعادلانه و غيررقابتي براي شكلگيري مجلسي فرمايشي، مطيع، نظامي و امنيتي برگزار شده است و شما رساتر از هميشه موضع خود را در قبال اين كجانديشيها روشن ساختهايد. نگراني شما از سست شدن پايههاي مشروعيت نظام، امنيت كشور، مداخله خارجي مشهود است.
به فرض صحت آراي ماخوذه از ٤٦١٥ ميليون واجدين شرايط حدود ٥٠ درصد واجدين شرايط در اين انتخابات شركت كردند كه البته در بعضي حوزهها مانند ممسني بيش از واجدين شرايط راي در صندوق ريخته شده برآوردهاي اوليه ستاد انتخابات حاكي است كه محافظهكاران يعني بيش از ١٠٠ درصد تنها ده درصد واجدين شرايط را جلب كردهاند و از جلب آراي ٩٠ درصد مردم محروم ماندهاند. در اكثر حوزههايي كه امكان رقابت وجود داشته است اصلاحطلبان راي ملت را از آن خود كرده است. هر چند كه در كمتر از ٣٠ درصد كرسيها امكان رقابت وجود داشت. گفته ميشود ١٦ درصد آرا سفيد به صندوقها ريخته شده است كه خود جاي تامل دارد. محافظهكاران كه در ٨ سال گذشته جز بر مدار تخريب حركت نكردهاند اين بار با تابلو و شعارهاي ارزشي سابق به ميدان رقابت وارد نشدند بلكه با شعار توسعه، آباداني و شاد بودن در عرصه انتخابات حضور يافتند و گفتند اينها نه تنها آرزوي ديرينه ما بوده است بلكه برنامه ماست كه اميدواريم حال كه به آرزويشان در يك دست كردن حاكميت دست يافتهاند به آن عمل كنند و به دنبال سركوب نباشند.
اينجانب در نخستين جلسه مجلس ششم به اتفاق همكاران مطابق اصل (٦٧) قانون اساسي در پيشگاه خداوند متعادل اين گونه سوگند ياد كرديم.
نقل به مضمون در برابر قرآن مجيد، به خداي قادر متعال سوگند ياد ميكنم و با تكيه به شرف انساني خويش تعهد مينمايم كه پاسدار حريم اسلام و نگاهبان دستاوردهاي انقلاب اسلامي ملت ايران و مباني جمهوري اسلامي باشم، وديعهاي را كه ملت به ما سپرده به عنوان اميني عادل پاسداري كنم. در انجام وظايف وكالت، امانت تقوي را رعايت نمايم و همواره به استقلال و اعتلاي كشور و حفظ حقوق ملت و خدمت به مردم پايبند باشم. از قانون اساسي دفاع كنم و در گفتهها و نوشتهها و اظهارنظرها، استقلال كشور و آزادي مردم و تامين مصالح آنها را مدنظر داشته باشم.
همان گونه كه به استحضار رسيد و شما به آن آگاهيد امروز چون ديگر امكان تداوم عمل به قسم نمايندگي براي اينجانب وجود ندارد و امكان دفاع از تمام حقوق قانوني شما از من سلب شده است حضور در خانه ملت و مشاهده انحراف از آرمان امام و ملت و قانون اساسي ديگر برايم افتخاري محسوب نميشود و با استعفا اعتراض خود را نسبت به روند ناصواب و غيرقانوني و غيرشرعي سالهاي اخير توسط نهادهاي انتصابي در روند به برگزاري انتخابات اول اسفند به اوج خود رسيده بود اعلام ميدارم.
حقير در برابر عظمت شما ملت صبور سر تعظيم فرود ميآورم و از تمامي قصورها و تقصيرها در عمل بار امانتي كه سپرده بوديد، به ويژه شهروندان حوزه انتخابيهام كه به من راي اعتماد دادند، صميمانه پوزش ميطلبم و در پيشگاه شما و در برابر خداي يكتا سوگند ياد ميكنم در حد توان تلاشي صادقانه داشتم و در حالي از مسئوليت نمايندگي استعفا ميدهم كه در پيش وجدان خود سربلندم و نمايندگي شما را در دورهاي كوتاه همواره براي خود افتخار ميدانم.
از همكاران خود در مجلس نيز سپاسگزارم كه در اين دوره علیرغم همه مشكلات و سختيها توفيق همكاري و همراهي با آنها را داشتم. از همه شما حلاليت ميطلبم و درخواست ميكنم كه به استعفاي اينجانب راي مثبت دهيد.
رسما و علنا درخواست ميكنم شوراي نگهبان دلايل رد صلاحيت اينجانب را از طريق رسانهها به سمع و نظر مردم برساند تا خود قضاوت نمايند كه برخورد سليقهاي شوراي نگهبان و تنزل آن در حد ابراز محافظهكاران تا كجاست.
والسلام عليكم و رحمهٱ... و بركاته
٤ اسفند ١٣٨٢
مصادف با ماه محرمالحرام ١٤٢٥
فاطمه حقيقتجو